

## رابطه میان ناشر و مترجم

برای آگاهی مترجمان، بخصوص مترجمان جوان، از کم‌وکیف نشر ترجمه ادبی قرار است با ناشران ترجمه ادبی گفت‌وگو کنیم. در این شماره به سراغ نشر ماهی که یکی از ناشران موفق در حوزه ترجمه است رفته‌ایم. از سرویراستار و دبیر محترم نشر ماهی بسیار متشکریم که به سوالات ما پاسخ دادند.

**اسماعیلی:** روند پذیرش ترجمه برای چاپ چیست؟ آیا خود شما به عنوان ناشر، در انتخاب کتاب، تصمیم‌گیرنده هستید؟

**نشر ماهی<sup>۱</sup>:** معمولاً مترجمان بزرگ و نامی، خودشان کتابی را انتخاب و ترجمه می‌کنند و سپس برای چاپ پیشنهاد می‌دهند. البته گاهی هم خودمان از آن‌ها می‌خواهیم کتابی را ترجمه کنند و آن‌ها هم از سر لطف درخواست ما را اجابت می‌کنند. مثلاً آقای حبیبی به پیشنهاد ما کتاب همزاد را ترجمه کردند یا آقای کسایی پور مزرعه حیوانات و ۱۹۱۴ را. آقای رضایی هم قصد ترجمه گنسی بزرگ را در آینده داشتند و به اصرار ما را در برنامه‌شان جلو انداختند. دوستان جوان‌تری هم هستند که به پیشنهاد ما کتابی را ترجمه می‌کنند. گاهی هم مترجمی از طریق ایمیل یا تلفنی کتابی را پیشنهاد می‌دهد و بعد از بررسی‌های لازم آن را قبول می‌کنیم.

**اسماعیلی:** بر چه مبنایی کتاب انتخاب می‌کنید؟ سیاستی مکتوب دارید یا حسب مورد تصمیم می‌گیرید؟ پرفروش بودن کتاب در غرب مهم است یا معروف بودن نام نویسنده؟ شده تا به حال نویسندگانی گمنام را به جامعه ادبی ایران معرفی کنید؟ چگونه مطمئن می‌شوید که کتابی در ایران فروش دارد یا نه؟ آیا این مسئله فروش هم عاملی در انتخاب کتاب است؟

**نشر ماهی:** سیاست مکتوب که خیر، اما طبعاً برنامه‌ریزی‌هایی برای خودمان داریم. مثلاً مترجمی کتاب لبه تیغ سامرست موام را پیشنهاد داد و ما نیز، پس از بررسی‌های لازم، آن را در برنامه کاری‌مان قرار دادیم. تا اینجا پیشنهاد مترجم بود. بعد ما، با توجه به اهمیت سامرست موام، تصمیم گرفتیم چند اثر شاخص او را دوباره ترجمه کنیم. ادامه پروژه سامرست موام

---

<sup>۱</sup> سرویراستار و دبیر نشر ماهی

پیشنهاد ما بود و مترجم محترم هم پذیرفت. در این مورد مشخص، یعنی لبه تیغ، اهمیت کتاب و لزوم ترجمه پاکیزه تری از آن ما را بدین نتیجه رساند که آن را منتشر کنیم، و الا خوانندگان سال‌هاست لبه تیغ را با ترجمه مهرداد نبیلی خوانده‌اند و قطعاً شهرت مرحوم نبیلی بیش‌تر است. اما دربارهٔ پر فروش بودن کتاب در غرب، فرآیند ویرایش و آماده‌سازی کتاب در نشر ماهی فرآیندی نسبتاً طولانی است. بنابراین اصلاً به صرفه نیست به سراغ کتابی برویم که احتمالاً چند ناشر دیگر هم برای ترجمه‌اش خیز برداشته‌اند. البته در این‌جا باید به دو مورد اشاره کنیم که سوء تفاهماتی را پیش آورده و شاید در نظر خوانندگان گرامی این مصاحبه مثال نقض جملهٔ پیش باشد. مورد اول ترجمهٔ خانم فروغان از دو کتاب آنا گاولداست که تقریباً هشت سال پس از ترجمه‌های خانم دارچینیان به بازار آمد و برخی اعتراض کردند که شما به خاطر فروش بالای گاولدا آن‌ها را دوباره ترجمه کرده‌اید. خانم فروغان در سال ۱۳۸۶ سه کتاب گاولدا را برای نشر ماهی ترجمه کردند، اما بنا به پاره‌ای ملاحظات تصمیم گرفتیم انتشار آن‌ها را به تعویق بیندازیم، کما این‌که هنوز هم یکی‌شان منتشر نشده است. بنابراین خانم فروغان تقریباً هم‌زمان با خانم دارچینیان کتاب‌های گاولدا را ترجمه کرد. مورد دوم هم هیاهوی زمان است. آقای ریوندی، مترجم کتاب، در میانهٔ کار ترجمه بود که متوجه شدیم آقای خاکسار ترجمهٔ کتاب را شروع کرده‌اند. متأسفانه این کتاب آنقدر حواشی داشت که تنها چیزی که دیده نشد شاهکار جولین بارنز بود. به هر حال، در چاپ کتاب‌های پر فروش غرب متأسفانه عامل سرعت مهم‌ترین عامل است. بنابراین ما ترجیح می‌دهیم آن‌ها را در برنامهٔ خود نگنجانیم. در معرفی نویسندگان تازه هم گام‌هایی برداشته‌ایم؛ مثلاً جاشوا فریس، که البته انتخاب خانم نصیریها بود، با کتاب بی‌نام به خوانندگان فارسی‌زبان معرفی شد. و اما اینکه فرموده‌اید مسئلهٔ فروش چقدر در انتخاب کتاب‌ها اهمیت دارد، البته که هر ناشری دوست دارد کتاب‌هایش به چاپ‌های متعدد برسد، اما عامل فروش جزء فاکتورهای اصلی انتخاب کتاب در نشر ماهی نیست. اجازه بدهید به مثال لبه تیغ برگردم. در حال حاضر، شانس فروش ترجمهٔ خانم بیات موحد نسبت به ترجمهٔ مرحوم نبیلی کم است. اما وقتی چند اثر دیگر سامرست موام هم منتشر شد و خوانندگان ترجمه‌ها را با هم مقایسه کردند، وضعیت فروش کتاب هم به نحو چشمگیری تغییر می‌کند. اساساً کتاب‌های نشر ماهی فروش انفجاری ندارند، بلکه فروش‌شان آهسته و پیوسته است.

گفت‌وگو با نشر ماهی // ۴۱

**اسماعیلی:** چه کانالی برای مراجعه مترجمان و ارائه پیشنهادهایشان وجود دارد؟ آیا مستقیماً به شما مراجعه می‌کنند؟

**نشر ماهی:** بعضی دوستان ایمیل می‌زنند، بعضی تلفن می‌کنند و برخی هم به دفتر نشر مراجعه می‌کنند.

**اسماعیلی:** آیا از افراد فاقد تجربه قبلی نیز ترجمه می‌پذیرید؟

**نشر ماهی:** بله، ملاک ما ارزش کتاب و کیفیت ترجمه آن است و البته اینکه به حوزه کار نشر ماهی مربوط باشد. آخرین نمونه‌اش هم آقای سپاس ریوندی بود که کتاب *هیاهوی زمان* را ترجمه کرد. ایشان سن و سال نسبتاً کمی دارند و این کتاب در واقع اولین ترجمه‌شان بود.

**اسماعیلی:** جوانان مترجم جوای کار چگونه می‌توانند با شما همکاری کنند؟

**نشر ماهی:** بهترین راه این است که ایمیلی برای ما بفرستند. البته دوستان دقت داشته باشند که پیشنهادات در حوزه کاری نشر ماهی باشد.

**اسماعیلی:** دستمزد مترجم اول را بر چه مبنا پرداخت می‌کنید؟ درصد فروش از قیمت پشت جلد؟ چند درصد؟ یا اینکه ترجمه را از او می‌خرید؟ برخی مترجمان اول گله دارند که ناشرین آن‌ها را استنمار می‌کنند. این استنمار چه شکلی ممکن است پیدا کند؟

**نشر ماهی:** ما جز یکی دو مورد، که آن هم خواست مترجم بوده، هیچ کتابی را خرید قطعی نکرده‌ایم. مترجمان اول هم از این قاعده مستثنی نیستند و بابت هر چاپ، درصد دریافت می‌کنند. اینکه می‌فرمایید مترجمان کتاب اولی بعضاً نسبت به رفتار ناشران اعتراض دارند دو وجه دارد. خوب بله، کم نیستند ناشرانی که سالی ۳۰۰ عنوان کتاب تازه منتشر می‌کنند و اکثراً هم مترجمان‌شان تازه‌کار هستند. هدف این انتشاراتی‌ها این است که با کم‌ترین هزینه کتاب را چاپ کنند. معمولاً یا حق‌الترجیمه نمی‌دهند یا مبلغش بسیار کم است. ابداً ویرایش و نمونه‌خوانی نمی‌کنند و صفحه‌بندی و امور گرافیکی‌شان هم افتضاح است. طبعاً مترجمی که به سراغ این دسته ناشران می‌رود احساس خسران می‌کند. این ناشران گاهی به جای حق‌الترجیمه، مثلاً ۵۰ نسخه از کتاب را به مترجم می‌دهند. اما این سکه روی دیگری هم دارد. اساساً چند درصد از مترجمان کار اولی کارشان از استانداردهای لازم برخوردار است؟ گاهی دوستانی برای ما نمونه ترجمه می‌فرستند که حیرت می‌کنیم چطور به این نتیجه رسیده‌اند که مترجم

شوند. وقتی چند صفحه از متن‌شان را مقابله می‌کنی، انواع غلط‌ها را دارند و فاجعه اصلی هم انشای فارسی‌شان است. خوب، تعداد این موارد کم نیست. خلاصه اینکه تعداد بی‌شمار مترجمان تازه‌کار قطعاً شانس دیده شدن استعداد‌های جوان را کم می‌کند.

**اسماعیلی:** در حال حاضر، نسبت ترجمه‌ها و تألیف‌هایی که چاپ می‌کنید به چه صورت است؟ بیشتر ترجمه ادبی است یا تألیف ادبی؟

**نشر ماهی:** در حوزه ادبیات، تاکنون اثر تألیفی، اعم از داستان یا شعر، چاپ نکرده‌ایم و فعلاً هم بنا نداریم وارد این حوزه شویم. اما در حوزه تاریخ، چند کار تألیفی داریم.

**اسماعیلی:** در مورد تألیفات تاریخی آیا خودتان به عنوان ناشر در جریان تولید کتاب و تشویق نویسنده حضور موثر داشته‌اید یا نویسنده پس از اتمام کار به شما مراجعه کرده است؟

**نشر ماهی:** هر دو مورد بوده است. کتاب‌هایی بوده‌اند که از ابتدا در جریان فرآیند تألیف‌شان بوده‌ایم و آثاری هم پس از تألیف به ما پیشنهاد شده‌اند. البته چون فرآیند تألیف نسبت به ترجمه طولانی‌تر است و ممکن است وقفه‌هایی هم در آن بیفتد، معمولاً مؤلفان پس از پایان کتاب با ناشر مذاکره می‌کنند.

**اسماعیلی:** با توزیع کتاب چه مشکل یا مشکلاتی دارید؟

**نشر ماهی:** برخی از ناشران خودشان پخش دارند و می‌توانند بر چگونگی پخش هر کتابی نظارت کنند. اما ناشرانی که خودشان پخش ندارند با مشکلات عدیده‌ای دست به‌گریبانند. مثلاً بارها پیش آمده که خوانندگان برای خرید کتابی به دفتر انتشارات مراجعه کرده و گفته‌اند کتاب را در هیچ کتابفروشی پیدا نکرده‌اند، درحالی‌که هنوز چاپ آن تمام نشده است. مشکل در واقع به حجم بالای تولید کتاب برمی‌گردد. وقتی کتابی تازه به بازار آمده و روی پیشخوان کتابفروشی‌هاست، طبعاً پخش‌ها هم برای گرفتن آن رغبت دارند. اما با ورود کتاب‌های تازه، کتاب‌های قدیمی‌تر به قفسه‌ها می‌روند و معمولاً فراموش می‌شوند.



**اسماعیلی:** ترجمه‌ها را چگونه ویرایش می‌کنید؟ آیا آن‌ها را با اصل منطبق می‌کنید؟

**نشر ماهی:** تا حد امکان، کتاب را با اصل مقابله می‌کنیم، مگر مترجمانی که کاملاً به کارشان اطمینان داریم. در این موارد، ترجمه را می‌خوانیم و موارد گنگ را علامت می‌زنیم و با نظر مترجم تغییر می‌دهیم.

**اسماعیلی:** در مورد ویرایش آیا دستورالعمل خاصی دارید؟ ویراستاران شما بر چه نکاتی اصرار دارند؟

**نشر ماهی:** ویراستار در قدم اول باید از صحت ترجمه مطمئن شود. اگر متن به انگلیسی، فرانسوی یا آلمانی باشد، ویراستاران مان می‌توانند کتاب را با اصل مقابله کنند. در سایر موارد، یا از شخصی مسلط به آن زبان کمک می‌گیریم یا از ترجمه‌ای معتبر به زبان انگلیسی یا آلمانی. شاید مثالی این فرآیند را روشن کند. مترجم تازه‌کاری کتابی از داستایفسکی را از روسی برایمان ترجمه کرده‌اند. در مرحله اول، دو ویراستار نشر این ترجمه را با یک ترجمه معتبر انگلیسی مقابله کردند و هر جا اختلافی میان متن فارسی و ترجمه انگلیسی بود علامت زدند. در مرحله بعد، از آقای آبتین گلکار خواهش کردیم این موارد اختلاف را ببینند تا معلوم شود مترجم فارسی اشتباه کرده یا مترجم انگلیسی. بدین ترتیب، در حد بضاعت مان از صحت متن اطمینان پیدا کردیم. مرحله بعد، ویرایش خود متن فارسی است. اینجا گاهی مشکلاتی پیش می‌آید. مثلاً مترجم به حجم تغییرات اعتراض دارد. استدلال مترجمان هم معمولاً این است که سلیقه زبانی ما با ویراستار هماهنگ نیست. ما به ویراستاران مان سپرده‌ایم تا حد امکان

موارد اختلاف سلیقه را وارد متن نکنند. با این حال، گاهی اعتراضاتی پیش می‌آید و معمولاً هم با تعامل حل می‌شود.

**اسماعیلی:** آیا مترجم می‌تواند خودش ویراستار کتابی را که ترجمه کرده پیشنهاد بدهد؟

**نشر ماهی:** معنی برای این کار وجود ندارد. مترجم محترم، ویراستار مد نظرشان را معرفی می‌کنند. چند صفحه‌ای از کار ایشان را می‌بینیم و در صورت رضایت سرویراستار نشر، کار ادامه پیدا می‌کند. البته اگر مترجمی شرط کند که فقط حاضر است ویرایش ویراستار خودش را بپذیرد، معمولاً آن کتاب را قبول نمی‌کنیم.

**اسماعیلی:** آیا قانون یا اصرار خاصی بر نوشتن مقدمه مترجم دارید؟

**نشر ماهی:** هر مترجمی حق دارد برای ترجمه‌اش مقدمه بنویسد. گاهی مقدمه را می‌خوانیم و پیشنهاداتی می‌دهیم، اما دستورالعملی برای چگونه نوشتن مقدمه وجود ندارد.

**اسماعیلی:** کیفیت ترجمه‌هایی را که برایتان ارسال می‌شود چگونه می‌سنجید؟

**نشر ماهی:** در مرحله اول، چند بخش کتاب را با اصل مقایسه می‌کنیم و در صورت صحت ترجمه، انشای فارسی‌اش را بررسی می‌کنیم. اگر به این نتیجه برسیم که کتاب قابل ویرایش است و احیاناً حجم تغییرات به اندازه‌ای نیست که با مترجم مسئله پیدا کنیم، آن را قبول می‌کنیم.

**اسماعیلی:** اگر سانسور کتابی خیلی به کتاب لطمه بزند، در این صورت اخلاقاً چه حدی برای خودتان قائلید که از خیر چاپ کتاب بگذرید؟

**نشر ماهی:** در قراردادهایی که می‌بندیم بندی وجود دارد که چنانچه حجم ممیزی به مقداری باشد که به کتاب لطمه بزند، از چاپ آن معذوریم. اگر موارد ارشادی در حدی باشد که لطمه‌ای به کتاب نزند، کتاب را چاپ می‌کنیم، در غیر اینصورت آن را به مترجمش برمی‌گردانیم تا خودشان تصمیم بگیرند.

\*\*\*\*\*